

بسم الله الرحمن الرحيم

عملکرد دولت سیزدهم

در بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان بر اساس آخرین آمار موجود و در دسترس

چکیده:

۱- مطابق با آمارهای مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی از تابستان ۱۳۹۹ به صورت مستمر ولی همراه با سرعت‌های متفاوت، رشد مثبتی را تجربه کرد. رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۳,۳ درصد و ۴,۸ درصد بوده است. کاهش محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی بعد از واکسیناسیون عمومی، از عوامل اصلی بهبود رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰ بوده است. رشد مثبت اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و مطابق آمارهای مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی ۴,۸ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت ۴,۵ درصد بوده است. در مجموع کشور در سال ۱۴۰۱ سومین سال متوالی رشد اقتصادی مثبت را به ثبت رساند.

۲- عملکرد تشکیل سرمایه ثابت (سرمایه‌گذاری) در اقتصاد بیانگر جهت‌گیری کلی اقتصاد و رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی است. ایجاد محیط امن، از لوازم اصلی و بسترساز برای انجام سرمایه‌گذاری است. مطابق با آمارهای مرکز آمار، روند سرمایه‌گذاری طی دهه ۱۳۹۰ مناسب نبوده و متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری در دهه ۱۳۹۰ و طول اجرای برنامه ششم توسعه به ترتیب منفی ۵,۵ و ۶,۲ درصد بوده است. لیکن، سرمایه‌گذاری از سال ۱۴۰۰ مواجه با رشد مثبت شده و در این سال رشد ۴,۱ درصدی، در سال ۱۴۰۱ رشد ۲,۱ درصدی داشته است. بدیهی است، افزایش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش موجودی سرمایه و افزایش ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رشد اقتصادی در سال‌های آتی خواهد شد.

۳- آمارهای بازار کار حاکی از تکرر کمی ماندن نرخ بیکاری، افزایش خالص ایجاد اشتغال و بهبود نسبی نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بوده است. در ادامه، در بهار ۱۴۰۲، نرخ بیکاری با کاهش ۱ درصدی نسبت به فصل مشابه در سال قبل به ۸,۲ درصد، نرخ مشارکت با بهبود ۰,۳ درصدی به ۴۱,۲ درصد و خالص ایجاد اشتغال افزایش ۷۲۸ هزار نفری داشته که ۳۳۳ هزار نفر آن مربوط به بخش صنعت

و ۳۹۳ هزار نفر آن مربوط به بخش خدمات بوده است. البته به دلیل خشک سالی شاغلین بخش کشاورزی اندکی (۵۸۴۷ نفر) کاهش داشته است. هم‌زمانی افزایش اشتغال و افزایش نرخ مشارکت اقتصادی نشان‌دهنده ادامه بهبود شرایط اقتصادی و امیدواری به آینده آن است.

۴- بر اساس آمارهای مرکز آمار، تورم سالانه (منتهی به اسفندماه ۱۴۰۱) ۴۵٫۸ درصد رشد داشته است که بیشتر از عملکرد تورم در سال ۱۴۰۰ (۴۰٫۲ درصد) است. از دلایل مهم بیشتر بودن تورم در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل افزایش قیمت کالاهای اساسی ناشی از جنگ اوکراین، اجرای طرح مردمی سازی یارانه‌ها، تغییر نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی به نرخ **ETS** و تورم ناشی از نقدینگی موجود اقتصاد است. در چهارماهه اول سال جاری نرخ تورم ماهانه روند کاهشی یافته است. طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران شاخص قیمت مصرف‌کننده در تیرماه سال ۱۴۰۲، به میزان ۲٫۰ درصد نسبت به ماه گذشته رشد داشته است که نسبت به ماه گذشته در وضعیت مشابهی بوده است. تورم نقطه‌به‌نقطه مصرف‌کننده در تیرماه سال ۱۴۰۲ به ۳۹٫۴ درصد رسید که در مقایسه با تورم نقطه‌به‌نقطه ماه قبل ۳٫۲ واحد درصد کاهش یافته است. لازم به ذکر است تورم

نقطه به نقطه در ماه گذشته نیز ۱۲ واحد درصد از ماه ماقبل خود کمتر شده بود. میانگین تورم سالانه مناطق منتهی به تیرماه ۱۴۰۲ به ۴۷,۵ درصد رسید که نسبت به متوسط تورم سالانه منتهی به ماه قبل، ۱ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. کاهش نرخ تورم و انتظارات تورمی می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های تولید و ثبات اقتصادی و پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد برای فعالین اقتصادی شود.

۵- در سال ۱۴۰۱ با اجرای سیاست محدود کردن استفاده از اعتبارات بانک مرکزی در قالب تنخواه‌گردان خزانه و کنترل ترازنامه بانک‌ها، رشد نقدینگی علی‌رغم رشد ۴۲,۴ درصدی پایه پولی در سال ۱۴۰۱، به میزان ۳۱,۱ درصد رشد داشته که حدود ۸ واحد درصد کمتر از عملکرد ۱۴۰۰ بوده است. افزایش در پایه پولی در سال ۱۴۰۱ عمدتاً در نتیجه افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است به گونه‌ای که سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از رشد ۴۲,۴ درصدی پایه پولی در سال ۱۴۰۱ به حدود ۴۰,۵ واحد درصد بالغ شده است، یعنی بیشترین سهم از رشد پایه پولی در سال گذشته از کانال رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است

۶- بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۳ میلیارد دلار از کشور صادر شده و حدود ۶۰ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده که در مقایسه با سال ۱۴۰۰ به ترتیب حدود ۹,۷ درصد و ۱۲,۶ درصد افزایش داشته است. بدین ترتیب تراز تجاری غیرنفتی در سال ۱۴۰۱ با کسری حدود ۶,۵ میلیارد دلار مواجه بود که در مقایسه با کسری دوره مشابه سال قبل حدود ۱,۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. همچنین بر اساس آخرین آمارهای گمرک ج.ا. ایران در فصل اول ۱۴۰۲ حدود ۱۲,۵ میلیارد دلار از کشور صادر شده و بیش از ۱۴ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب حدود ۹ درصد کاهش و ۶ درصد افزایش داشته است. بدین ترتیب تراز تجاری غیرنفتی در فصل اول ۱۴۰۲ با کسری حدود ۱,۶ میلیارد دلار مواجه بوده حال آنکه این تراز در دوره مشابه سال قبل از مازادی در حدود ۴۱۹ میلیون دلار برخوردار بوده است. کاهش قیمت‌های جهانی در فصل اول ۱۴۰۲ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، به‌ویژه کاهش قیمت جهانی مواد اولیه از جمله نفت، محصولات پتروشیمی و فراورده‌های هیدروکربوری که اقلام عمده صادراتی را

تشکیل می‌دهند، مهم‌ترین دلیل کاهش ارزش صادرات علیرغم افزایش وزن است. گرچه الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز نیز می‌تواند به خاطر کاهش انگیزه صادرات و یا کم‌اظهاری ارزش کالاهای صادراتی یکی دیگر از عوامل کاهش ارزش صادرات محسوب‌ش‌مقدمه

رویکرد اصلی دولت سیزدهم در سیاست خارجی، «دیپلماسی متوازن»، «منطقه‌گرایی» و «توسعه دیپلماسی اقتصادی» با تغییر در نگاه کلان در حوزه سیاست‌گذاری دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، بوده است. در مرحله هدف‌گذاری، تمرکز بر «دیپلماسی متوازن»، «چندجانبه‌گرایی اقتصادی»، «ورود به پیمان‌های راهبردی با قدرت‌های نوظهور» و «تقویت روابط سیاسی- اقتصادی با کشورهای همسایه ایران» توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه با سایر کشورهای جهان و حضور در قاره آفریقا و آمریکای لاتین باهدف رشد و توسعه اقتصادی و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی درونی کشور برای تحقق سیاست توسعه‌یافتگی تنظیم‌شده است.

به موازات تحرکات دیپلماسی اقتصادی و سیاسی و اصلاحات و اقدامات داخلی دولت در عرصه حکمرانی اقتصادی که در متن به مفصل به آن‌ها

پرداخته خواهد شد، شاهد عملکرد مثبت برخی از متغیرهای کلان اقتصادی مثل؛ رشد اقتصادی مثبت، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ بیکاری، کنترل تورم، وضعیت مناسب دولت در پرداخت بدهی‌ها، کنترل رشد نقدینگی، افزایش میزان تجارت خارجی هستیم. بنابراین سیاست‌گذاری‌ها و ریل‌گذاری‌ها در دو سطح داخلی و خارجی دولت سیزدهم در مهار سیاست «فشار حداکثری» دشمن و بر فعال‌سازی پویایی درونی جامعه برای غلبه بر مشکلات و موانع تا حدودی موفق بوده است. در این گاهنامه با توجه به ارقام عملکردی متغیرهای مهم کلان اقتصادی در حوزه‌های مختلف و بر اساس آخرین اطلاعات موجود و قابل ارائه وضعیت اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

جمعیت

حجم جمعیت، ساختار سنی، نرخ رشد و توزیع فضایی آن در هر کشور محور اصلی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. طی سال‌های اخیر از رشد جمعیت کشور کاسته شده و نرخ باروری روند کاهشی نگران‌کننده‌ای یافته و باعث شده تا نگرانی‌هایی در خصوص منفی

شدن نرخ رشد جمعیت، کاهش جمعیت در سال‌های آینده، ناپایداری نهاد خانواده، سالمندی و... شکل گیرد.

عملکرد نرخ باروری نشان می‌دهد که نرخ باروری در سال‌های ۹۶-۱۳۹۳، به میزان مطلوب (بیش از نرخ جانشینی ۲,۱ فرزند) رسیده بود، در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ روند کاهشی نگران‌کننده‌ای یافت. نرخ باروری کلی در سال ۱۳۹۵ با میزان ۲,۱۴ فرزند و در سال ۱۳۹۶ با میزان ۲,۱۱ فرزند بیش از نرخ جانشینی (۲,۱ فرزند) بود و لذا بند یک سیاست‌های کلی جمعیت تحقق یافت. لیکن، از سال ۱۳۹۷ و به‌ویژه سال ۱۳۹۸ نرخ باروری کاهش فراوانی می‌یابد و به ترتیب به ۱,۹۷ فرزند در سال ۱۳۹۷ و ۱,۷۵ فرزند در سال ۱۳۹۸ کاهش می‌یابد. در ادامه در سال ۱۳۹۹ با وجود اینکه شرایط عمومی جامعه متأثر از همه‌گیری کرونا بود، از شدت کاهش نرخ باروری نسبت به سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کم شد و به ۱,۶۶ فرزند رسید. تعداد مولید و نرخ باروری در سال ۱۴۰۰ اندکی روند افزایشی به خود می‌گیرد و به ۱,۶۹ فرزند می‌رسد. در سال ۱۴۰۱ نرخ باروری (۱,۶۵ فرزند) و اندکی کمتر از نرخ باروری در سال ۱۴۰۰ (۱,۶۹ فرزند) بوده است. در فاصله سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۹ نرخ باروری در کشور تقریباً تثبیت شده است.

بررسی تحولات دیگر وقایع حیاتی (مرگ‌ومیر، ازدواج و طلاق) در سال ۱۴۰۱ نشانگر آن است با کنترل شیوع کرونا تعداد مرگ‌ومیر در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰ کاهش قابل توجهی نشان می‌دهد و به سال‌های قبل از شیوع کرونا نزدیک شده است. تعداد ازدواج‌های به ثبت رسیده نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷٫۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. روند افزایشی تعداد طلاق‌ها در سال ۱۴۰۱ کند شده و تعداد طلاق‌های به ثبت رسیده در سال ۱۴۰۱ به ۲۰۴ هزار مورد رسیده که بسیار نزدیک به سال ۱۴۰۰ (۲۰۱ هزار مورد) است. با توجه به این نتایج، در حال حاضر کاهش ازدواج اصلی‌ترین تنگنای جمعیتی است که اثرات مخرب فرهنگی، اجتماعی و در بلندمدت اقتصادی در بر خواهد داشت و موجب بروز تنش‌های امنیتی نیز خواهد شد.

تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی

تولید ناخالص داخلی، نشان‌دهنده عملکرد بخش واقعی اقتصاد در تولید کالاها و خدمات است. رشد مثبت آن با لحاظ تعدیل تورمی به مفهوم بزرگ‌تر شدن اندازه اقتصاد و رشد منفی آن به مفهوم کوچک‌تر شدن اندازه اقتصاد است. بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار

ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در سال ۱۴۰۱ به رقم ۸۱۱۹ هزار میلیارد ریال با نفت و ۶۹۹۱ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است، در حالی که رقم مذکور در سال گذشته با نفت ۷۷۴۶ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۶۶۹۲ هزار میلیارد ریال بوده که نشان از رشد ۸,۴ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۵,۴ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در سال ۱۴۰۱ دارد. در این سال، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت جاری ۱۴۱۲۲۸ هزار میلیارد ریال (۱۷,۴ برابر قیمت ثابت ۱۳۹۰) بوده است.

مطابق با آمارهای مرکز آمار ایران، تولید ناخالص داخلی از تابستان ۱۳۹۹ به صورت مستمر ولی همراه با سرعت‌های متفاوت، رشد مثبتی را تجربه کرده است. در سال ۱۴۰۰ با کاهش اثرات شیوع ویروس کرونا و کاهش محدودیت‌های کرونایی و فعال شدن زیر بخش‌های آسیب‌دیده از کرونا (به‌ویژه در بخش خدمات) منجر به رشد اقتصادی ۴,۸ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت ۴,۵ درصد شد. در ادامه در سال ۱۴۰۱ عمدتاً به دلیل افزایش رشد ارزش‌افزوده بخش صنعت و ادامه رشد بخش نفت سومین

سال متوالی رشد اقتصادی مثبت را به ثبت رساند و رشد اقتصادی کل به عدد ۴,۸ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت ۴,۵ درصد بوده است.

در سطح بخش‌های اقتصادی به جزء بخش‌های کشاورزی و ساختمان بقیه بخش‌های اصلی اقتصاد، مواجه با رشد ارزش افزوده مثبت بوده‌اند. در بخش‌های اصلی اقتصادی، گروه کشاورزی به دلیل تأثیر پذیرفتن از خشک‌سالی در سال ۱۴۰۰ با کاهش ارزش افزوده ۳,۶- درصدی مواجه بوده است. روند کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و کاهش ۴,۴ درصدی (۴,۴- درصدی) داشته است. ارزش افزوده بخش نفت، در سال ۱۴۰۰ با رشد ۹,۷ درصدی مواجه شد. در سال ۱۴۰۱ رشد مثبت این بخش ادامه داشته و در مجموع حدود ۷ درصد رشد داشته است. رشد ارزش افزوده بخش خدمات که در سال ۱۴۰۰ با انجام وسیع واکسیناسیون و کاهش پیامدهای منفی شیوع کرونا به رشد مثبت ۵,۲ درصدی در سال ۱۴۰۰ دست یافت، در سال ۱۴۰۱ مواجه با کاهش شتاب رشد شد و در مجموع در سال ۱۴۰۱ رشد ۴,۴ درصدی داشته است.

سرمایه گذاری

عملکرد تشکیل سرمایه ثابت (سرمایه گذاری) در اقتصاد بیانگر جهت گیری کلی اقتصاد و رفتار سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی است. ایجاد محیط امن، از لوازم اصلی و بسترساز برای انجام سرمایه گذاری است. مطابق با آمارهای مرکز آمار، روند سرمایه گذاری طی دهه ۱۳۹۰ مناسب نبوده و متوسط رشد سالانه سرمایه گذاری در دهه ۱۳۹۰ و طول اجرای برنامه ششم توسعه به ترتیب منفی ۵,۲ و ۴,۵ درصد بوده است. لیکن، سرمایه گذاری از سال ۱۴۰۰ مواجه با رشد مثبت شده و رشد ۴,۱ درصدی داشته است. در سال ۱۴۰۱ به دلیل کاهش سرمایه گذاری در بخش ساختمان از شدت رشد سرمایه گذاری کل کاسته شده و در نهایت رشد سرمایه گذاری کل ۲,۱ درصد شد. افزایش سرمایه گذاری منجر به افزایش موجودی سرمایه و افزایش ظرفیت ها و پتانسیل های رشد اقتصادی در سال های آتی خواهد شد.

دولت برای افزایش سرمایه گذاری و ظرفیت سازی برای تولید آینده کشور بر رفع موانع توسعه کسب و کارها، ارتقای بهره وری و کارایی منابع موجود، تخصیص منابع محدود به طرح ها و پروژه های مهم و پیشران، به

میدان آوردن منابع قابل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دیگر بخش‌ها از جمله بخش عمومی غیردولتی از طریق رفع موانع نهادی و قانونی، تشویق به استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها و اهرم سازی آن‌ها توجه دارد.

مصرف

در طرف تقاضای اقتصاد، سهم عمده تولید ناخالص داخلی به مصرف اختصاص دارد. در مجموع سهم هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی و دولتی از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۹۰، طی برنامه ششم از ۶۱ درصد به ۷۸ درصد رسیده است. در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی به تبعیت از رشد منفی اقتصاد و همچنین کاهش قدرت خرید خانوارها با کاهش مواجه شد و باعث شد تا سبب مصرفی خانوارها تغییرات زیادی داشته باشد.

در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تا پاییز ۱۳۹۹ منفی بود از زمستان ۱۳۹۹ همگام با مثبت شدن فضای اقتصادی مثبت شده و در همه فصول سال ۱۴۰۰ رشد هزینه‌های مصرفی مثبت و در سه فصل تابستان، پاییز و زمستان دورقمی بوده است. در مجموع رشد هزینه‌های مصرف بخش خصوصی در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۲,۷ درصد بوده رشد نمود. رشد هزینه‌های مصرف

بخش خصوصی در سه فصل متوالی سال ۱۴۰۱ مثبت لیکن، روند کاهشی داشته به نحوی که در بهار به ۱۱,۲ درصد، در فصل تابستان به ۷,۲ درصد و در نهایت در فصل پاییز به ۴ درصد محدود شد. در زمستان رشد هزینه‌های مصرفی اندکی افزایش یافته و به ۴,۷ درصد رسیده است.

سیاست دولت افزایش مصرف و رفاه خانوارها را از طریق افزایش قدرت خرید آن‌ها پیگیری نماید و هزینه‌های مصرفی دولت را با رویکرد انضباط مالی و کنترل هزینه‌ها مدیریت نماید.

اشتغال

ایران در زمره‌ی کشورهای جوان است و هر ساله با حجم عظیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (به‌عنوان ورودی‌های بالقوه جدید به بازار کار) مواجه است. لذا ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و حفظ اشتغال موجود کشور از دغدغه‌های مهم دولت است. در دولت سیزدهم سیاست مذکور در قالب سیاست‌های بازآفرینی رشد اقتصادی، حمایت از تولید و اشتغال (تبصره ۱۶ و ۱۸ قانون بودجه)، جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی و تسهیل در راه‌اندازی کسب‌وکار، حمایت از صادرات غیرنفتی،

و... پیگیری شده است. نتایج سیاست‌های مذکور تکرر کمی ماندن نرخ بیکاری، افزایش خالص ایجاد اشتغال و بهبود نسبی نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بوده است (جدول). در ادامه، در بهار ۱۴۰۲، نرخ بیکاری با کاهش ۱ درصدی نسبت به فصل مشابه در سال قبل به ۸,۲ درصد، نرخ مشارکت با بهبود ۰,۳ درصدی به ۴۱,۲ درصد و خالص ایجاد اشتغال افزایش ۷۲۸ نفری داشته که ۳۳۳ هزار نفر آن مربوط به بخش صنعت و ۳۹۳ هزار نفر آن مربوط به بخش خدمات بوده است. البته به دلیل خشک‌سالی شاغلین بخش کشاورزی اندکی (۵۸۴۷ نفر) کاهش داشته است. هم‌زمانی افزایش اشتغال و افزایش نرخ مشارکت اقتصادی نشان‌دهنده ادامه بهبود شرایط اقتصادی و امیدواری به آینده آن است.

البته با وجود بهبود در برخی از شاخص‌های بازار کار، هنوز این بازار مواجه با چالش‌ها و عدم تعادل‌هایی در ابعاد مختلف است. در سال ۱۴۰۱ از کل تعداد بیکاران، حدود ۴۰ درصد دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. در این سال نرخ بیکاری زنان ۱۵,۸ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۸-۳۵ ساله ۱۶,۳ درصد بوده که به ترتیب فاصله ۶,۸ درصدی و فاصله ۷,۳ درصدی با نرخ بیکاری کل (۹ درصد) کشور دارد. نرخ مشارکت اقتصادی (درصد

افراد در سن کار که مایل به کار کردن هستند) که به میزان امیدواری برای پیدا کردن شغل ارتباط دارد، در سال ۱۴۰۱ حدود ۴۱ درصد بوده که نسبت به سال قبل تغییر محسوسی نداشته و نسبت به دوران قبل از کرونا (۱۳۹۸) تفاوت ۳ واحدی دارد. باوجود بهبود در اشتغال سال ۱۴۰۰ به میزان ۱۸۴ هزار نفر و سال ۱۴۰۱ به میزان ۲۶۸ هزار نفر، هنوز تعداد شاغلین کل کشور در سال ۱۴۰۱ با دوران قبل از کرونا یعنی سال ۱۳۹۸ تفاوت ۵۵۷ هزارنفری دارد. در سال ۱۴۰۱ برای سومین سال متوالی اشتغال در بخش کشاورزی کاهش یافته و در مجموع طی سه ساله ۱۳۹۹-۱۴۰۱ بالغ بر ۷۸۰ هزار نفر از شاغلین این بخش کم شده است.

با عنایت به واقعیت‌های فوق، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار همچنان باید در اولویت‌های دولت باشد که این امر با ایجاد ثبات در اقتصاد کشور، بهره‌گیری مؤثر از اعتبارات بودجه‌ای و همچنین بهبود فضای اقتصادی قابل تحقق است.

پول و بانک

در اقتصاد ایران منابع ریالی ناشی از تسعیرپذیری منابع حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و گاز، نا ترازوی شبکه بانکی و رفتار مالی دولت از

عوامل تأثیرگذار بر منابع پایه پولی محسوب می‌شوند. پایه پولی کشور در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب به ۱۷ درصد و ۱۹ درصد محدود شد. نرخ رشد نقدینگی نیز در سال‌های مزبور به ترتیب ۲۳,۲ درصد و ۲۲,۱ درصد بود. از سال ۱۳۹۷ رشد پایه پولی از روند فزاینده‌ای برخوردار گردید. به طوری که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نرخ رشد پایه پولی از نرخ رشد نقدینگی فراتر رفت. اما در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ رشد پایه پولی از نرخ رشد نقدینگی عقب ماند به طوری که پایه پولی در سال ۱۴۰۰ با نرخ ۳۱,۶ درصد رشد کرد ولی نرخ رشد نقدینگی معادل ۳۹ درصد بود. اما در سال ۱۴۰۱ با اجرای سیاست محدود کردن استفاده از اعتبارات بانک مرکزی در قالب تنخواه‌گردان خزانه و کنترل ترازنامه بانک‌ها، این روند متوقف شده و علیرغم رشد ۴۲,۴ درصدی پایه پولی در سال ۱۴۰۱، نقدینگی به میزان ۳۱,۱ درصد رشد داشته است و از حدود ۴۸۳۲۵ هزار میلیارد ریال در پایان سال ۱۴۰۰ به حدود ۶۳۳۷۶ هزار میلیارد ریال در پایان سال ۱۴۰۱ رسید.

افزایش در پایه پولی در سال ۱۴۰۱ عمدتاً در نتیجه افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است به گونه‌ای که سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از رشد ۴۲,۴ درصدی پایه پولی در سال ۱۴۰۱ به حدود ۴۰,۵ واحد درصد بالغ شده

است، یعنی بیشترین سهم از رشد پایه پولی در سال گذشته از کانال رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است. هرچند بخشی از این بدهی در نتیجه اعمال سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و افزایش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها در راستای کنترل نقدینگی و تورم بوده و اثری برافزایش نقدینگی نداشته است. اما همچنان پایش فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی و حل و فصل بانک‌های ناسالم و کنترل اعتبار دهی بانک مرکزی به آن‌ها در کنترل رشد پایه پولی از اهمیت برخوردار است.

در سال ۱۴۰۱ میزان تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به بخش‌های اقتصادی با رشد ۴۵,۳ درصد به ۴۴۴۸۵ هزار میلیارد ریال افزایش یافت. برابر آخرین اطلاعات تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی ۲ ماهه سال ۱۴۰۲ مبلغ ۵۱۵۱ هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۲۶,۲ درصد افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی، ۸۷,۱ درصد به صاحبان کسب و کار و ۱۲,۹ درصد به مصرف‌کنندگان نهایی تعلق گرفته است.

وضعیت شاخص کل بورس و شاخص هم‌وزن

طی مقطع زمانی ابتدای سال ۱۳۹۶ تا تاریخ ۷ مرداد ۱۴۰۲ شاخص بورس بازار سرمایه رشد نزدیک به ۲۵۰۰ درصدی را تجربه نموده است. شاخص

کل هم‌وزن نیز در مقطع زمانی مذکور رشد حدود ۴۴۰۰ درصدی را تجربه نموده است. این اختلاف بازده بیانگر آن است که شرکت‌های کوچک بازار سرمایه رشد به مراتب بیشتری نسبت به شرکت‌های بزرگ بازار سرمایه داشته‌اند. این اختلاف بازدهی، از عوامل مختلفی نشأت می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین عوامل آن قیمت‌گذاری دستوری نهاده‌ها و محصولات (فراورده‌ها) صنایع بزرگ کشور بوده است که وضعیت سوددهی آن‌ها را طی مقاطع زمانی مختلف تحت تأثیر قرار داده است. از جمله اتفاقات صورت گرفته که تأثیر زیادی بر عملکرد بازار سرمایه داشته خروج آمریکا از برجام بوده است که منجر به صعود نرخ ارز و انتظارات تورمی گردید و این اتفاق با تأخیر در افزایش شاخص کل بورس و شاخص هم‌وزن در سال ۱۳۹۷ نمایان گردید. همه‌گیری کرونا، کاهش نرخ بهره بین‌بانکی و کاهش ارزش ریال از جمله عواملی بودند که منجر به افزایش شاخص‌های بازار سرمایه در انتهای سال ۱۳۹۸ و ابتدای سال ۱۳۹۹ گردیدند. وضعیت افزایش شاخص بورس به طوری بود که P/E بورس در مرداد سال ۱۳۹۹ به حدود ۴۰ رسید که بی‌سابقه بوده و بیانگر بیش از ارزشی بازار سرمایه است. پس از این مقطع با خروج سنگین پول اشخاص حقیقی، شاخص‌های بورس کاهش بی‌سابقه‌ای

را تجربه نمودند و با توجه به وضعیت سودآوری شرکت‌ها و وضعیت نرخ ارز و انتظارات تورمی جامعه در مقطع زمانی بین مرداد ۱۳۹۹ تا اواخر آبان ۱۴۰۱ نوساناتی در شاخص کل بورس و شاخص هم‌وزن اتفاق افتاد. بعدازآن شاخص کل و شاخص هم‌وزن رشد جدید را آغاز می‌کنند به‌نحوی که شاخص کل در ابتدای سال ۱۴۰۲ مجدداً توانست عدد دو میلیون و صد هزار واحد را تجربه نماید که عمده دلیل این افزایش تا مقطع زمانی فروردین ۱۴۰۲ افزایش نرخ ارز تا محدوده ۶۰ هزار تومان و گزارش‌های مناسب شرکت‌های بورسی و عقب‌ماندگی بازار سرمایه نسبت به بازارهای موازی است. افزایش شاخص تا ۱۶ اردیبهشت سال ۱۴۰۲ ادامه داشت و در تاریخ ۱۷ اردیبهشت با مطرح شدن افزایش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و همچنین با توجه به رشد چندماهه شاخص کل و شاخص هم‌وزن در مقطع زمانی ۶ ماهه منتهی به ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، بازار سرمایه وارد روند اصلاحی معنادار گردیده و تا ۷ تیر ۱۴۰۲ به محدوده یک میلیون و نه صد و نود واحد رسیده است.

وضعیت تورم و سطح عمومی قیمت‌ها

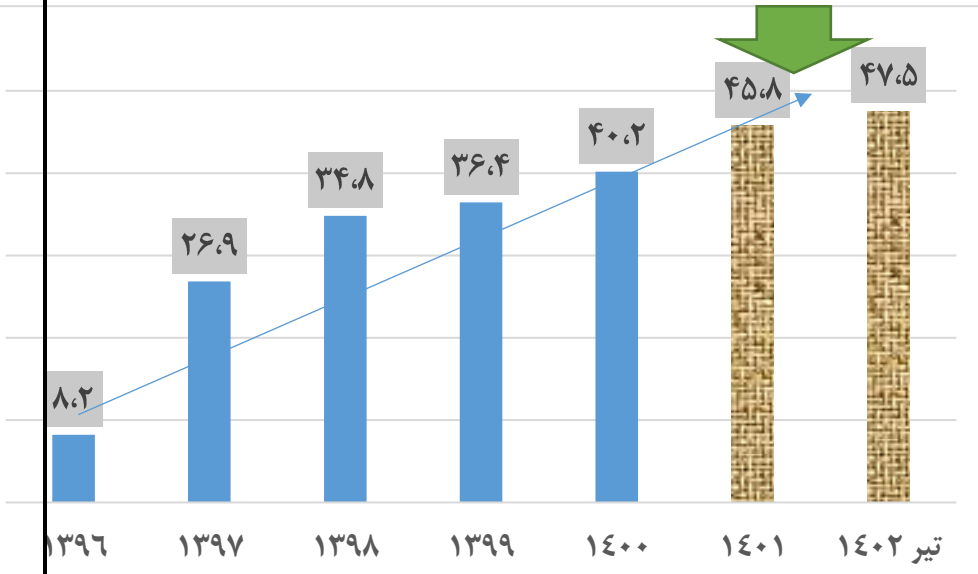
تورم مزمن و بالا از معضلات و چالش‌های مهم کشور است. آثار منفی تورم را می‌توان در کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی، عدم تخصیص بهینه منابع، نا اطمینانی، شکاف طبقاتی و نامناسب شدن توزیع درآمد و کاهش رفاه اقتصادی جستجو نمود. متوسط تورم در طول اجرای برنامه ششم (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) بالغ بر ۲۹,۳ درصد و در سال ۱۴۰۱ بالغ بر ۴۵,۸ درصد (سال پایه ۱۴۰۰) بوده است. هرچند تورم در اقتصاد ایران، پدیده‌ای مزمن و پولی است، اما به‌طور کلی می‌توان با در نظر گرفتن سه منشأ اصلی تحت عنوان افزایش تقاضا، فشار هزینه و عوامل ساختاری آن را تحلیل نمود. در مورد افزایش تقاضا، افزایش تقاضای ناشی از حجم فزاینده نقدینگی، عدم توازن بودجه و افزایش پایه پولی اصرار دولت به حفظ قیمت برخی کالاها در شرایط تورمی خود می‌تواند عامل تورم باشد. علت اصلی تورم ناشی از فشار هزینه تغییرات نرخ ارز است. تداوم تحریم‌ها یا بدتر شدن آن با جلوگیری از صادرات یا افزایش هزینه صادرات یا جلوگیری از برگشت ارز به اقتصاد، خود عامل مهم دیگر تورم است. عوامل ساختاری تورم به مجموع سیاست‌های کلی و از جمله سیاست‌های پولی و بودجه‌ای اطلاق می‌شود که با نگرش و رویکرد خاص طی سالیان طولانی در اقتصاد شکل گرفته است.

برای مثال دوره زمان نسبتاً طولانی اعمال سیاست نرخ ترجیحی ارز تا زمان حذف آن در شرایط تنگنای ارزی، از جمله عوامل ساختاری است که پایه پولی را بسط داده است. به عبارت دیگر قیمت‌گذاری‌های تکلیفی و مخرب تولید یکی از عوامل ساختاری رخ داده است.

نرخ تورم سالانه پس از تجربه تورم تک‌رقمی در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، از سال ۱۳۹۶ روند افزایشی داشته و از ۸,۲ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۴۵,۸ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. در ادامه، طبق آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران شاخص قیمت مصرف‌کننده در تیرماه سال ۱۴۰۲، به میزان ۲,۰ درصد نسبت به ماه گذشته رشد داشته است که نسبت به ماه گذشته در وضعیت مشابهی بوده است.

تورم نقطه‌به‌نقطه مصرف‌کننده در تیرماه سال ۱۴۰۲ به ۳۹,۴ درصد رسید که در مقایسه با تورم نقطه‌به‌نقطه ماه قبل ۳,۲ واحد درصد کاهش یافته است. لازم به ذکر است تورم نقطه‌به‌نقطه در ماه گذشته نیز ۱۲ واحد درصد از ماه ماقبل خود کمتر شده بود. میانگین تورم سالانه مناطق منتهی به تیرماه ۱۴۰۲ به ۴۷,۵ درصد رسید که نسبت به متوسط تورم سالانه منتهی به ماه قبل، ۱ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد.

نمودار روند تورم سالانه (۱۴۰۰=۱۰۰) - درصد



مآخذ: مرکز آمار ایران

تجارت خارجی

بر اساس آمار گمرک ج.ا. ایران در سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۸,۶ میلیارد دلار از کشور صادر و بیش از ۵۳ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن به ترتیب بیش از ۳۹,۶ درصد و ۳۶,۳ درصد افزایش داشته است. بدین ترتیب تراز بازرگانی در سال ۱۴۰۰ با کسری

حدود ۴,۴ میلیارد دلار مواجه بود که در مقایسه با کسری دوره مشابه سال قبل (حدود ۴,۱ میلیارد دلار) اندکی افزایش یافته است. کاهش محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری بین کشورها که قبلاً به دلیل گسترش کرونا اعمال شده بود، افزایش قیمت‌های جهانی، امکان اجازه واردات کالا توسط صادرکنندگان به جای بازگشت مستقیم ارز، از مهم‌ترین دلایل افزایش صادرات محسوب می‌گردد. همچنین، افزایش قیمت‌های جهانی، سرعت‌بالا در ترخیص کالاهای ضروری، ماشین‌آلات و اقلام واسطه‌ای تولید، کاهش انتظارات تورمی و شتاب واردکنندگان برای ترخیص کالاها و اطمینان یافتن واردکنندگان از تأمین منابع ارزی به‌خصوص دریافت‌کنندگان ارز ترجیحی از مهم‌ترین دلایل افزایش بوده است.

در سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۳ میلیارد دلار از کشور صادر شده و حدود ۶۰ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب حدود ۱۰ درصد و ۱۳ درصد افزایش داشته است. بدین ترتیب تراز تجاری غیرنفتی در سال ۱۴۰۱ با کسری حدود ۶,۵ میلیارد دلار مواجه بود که در مقایسه با کسری دوره مشابه سال قبل افزایش یافته است. از مهم‌ترین دلایل رشد صادرات و واردات در این دوره می‌توان به افزایش قیمت‌های جهانی به‌ویژه قیمت نفت خام؛ توجه بیشتر دولت به دیپلماسی اقتصادی از طریق بهبود روابط تجاری

به‌ویژه با انعقاد تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و تجاری با همسایگان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز و کشورهای شرق به‌ویژه چین و هند؛ رفع برخی از موانع صادراتی به‌ویژه در ارتباط با نحوه بازگشت ارز صادراتی؛ اشاره نمود. در سال ۱۴۰۱ حدود ۷۶ درصد صادرات به پنج کشور چین، عراق، ترکیه، امارات و هند انجام شده است. همچنین طی دوره مذکور حدود ۷۶ درصد واردات از پنج کشور امارات، چین، ترکیه، هند و آلمان انجام شده است.

همچنین بر اساس آخرین آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران در فصل اول ۱۴۰۲ حدود ۱۲,۵ میلیارد دلار از کشور صادر شده و بیش از ۱۴ میلیارد دلار کالا وارد کشور شده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ترتیب حدود ۹ درصد کاهش و ۶ درصد افزایش داشته است. بدین ترتیب تراز تجاری غیرنفتی در فصل اول ۱۴۰۲ با کسری حدود ۱,۶ میلیارد دلار مواجه بوده حال آنکه این تراز در دوره مشابه سال قبل از مازادی در حدود ۴۱۹ میلیون دلار برخوردار بوده است. کاهش قیمت‌های جهانی در فصل اول ۱۴۰۲ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، به‌ویژه کاهش قیمت جهانی

مواد اولیه از جمله نفت، محصولات پتروشیمی و فراورده‌های هیدروکربوری که اقلام عمده صادراتی را تشکیل می‌دهند، مهم‌ترین دلیل کاهش ارزش صادرات علیرغم افزایش وزن است. گرچه الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز نیز می‌تواند به خاطر کاهش انگیزه صادرات و یا کم‌اظهاری ارزش کالاهای صادراتی یکی دیگر از عوامل کاهش ارزش صادرات محسوب شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

با اقدامات دولت سیزدهم در دوسطح داخلی، منطقه ای و بین المللی روند بهبود وضعیت اقتصادی کشور شروع شده که با بررسی متغیرهای اقتصاد کلان به خوبی نشانه های آن قابل مشاهده است. مثلاً رشد مثبت اقتصادی در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و مطابق آمارهای مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی ۴٫۸ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت ۴٫۵ درصد بوده است. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۲ ۲٫۵ درصد باشد. سرمایه‌گذاری از سال ۱۴۰۰ مواجه با رشد مثبت شده و در این سال رشد ۴٫۱ درصدی، در سال ۱۴۰۱ رشد ۲٫۱ درصدی داشته است.

بدیهی است، افزایش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش موجودی سرمایه و افزایش ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رشد اقتصادی در سال‌های آتی خواهد شد. از طرفی آمارهای بازار کار حاکی از تکریمی ماندن نرخ بیکاری، افزایش خالص ایجاد اشتغال و بهبود نسبی نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بوده است. در ادامه، در بهار ۱۴۰۲، نرخ بیکاری با کاهش ۱ درصدی نسبت به فصل مشابه در سال قبل به ۸،۲ درصد، نرخ مشارکت با بهبود ۰،۳ درصدی به ۴۱،۲ درصد و خالص ایجاد اشتغال افزایش ۷۲۸ هزار نفری داشته که ۳۳۳ هزار نفر آن مربوط به بخش صنعت و ۳۹۳ هزار نفر آن مربوط به بخش خدمات بوده است.

لازم به ذکر است رویکرد دولت سیزدهم در حوزه رشد اقتصادی "رشد آفرینی غیرتورمی" است و در پی فراهم نمودن زمینه‌های تحقق آن می‌باشد. در این راستا، دولت برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی را در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، بازار کار، پول و بانک، بودجه عمومی دولت و تجارتی خارجی و در برنامه هفتم در نظر گرفته که با آغاز اجرای

صحیح برنامه هفتم توسعه در دولت سیزدهم امید به حل و فصل مسائل
اساسی کشور در میان مدت قابل پیش بینی است.